«و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالى [به وحى‌] با مردم سخن مى‌گوید و از شایستگان است.» (46) [مریم‌] گفت: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندى خواهد بود با آنکه بشرى به من دست نزده است؟» گفت: «چنین است [کار] پروردگار.» خدا هر چه بخواهد مى‌آفریند؛ چون به کارى فرمان دهد، فقط به آن مى‌گوید: «باش»؛ پس مى‌باشد. (47) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل مى‌آموزد. (48) و [او را به عنوان‌] پیامبرى به سوى بنى اسرائیل [مى‌فرستد، که او به آنان مى‌گوید:] «در حقیقت، من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌اى آورده‌ام: من از گل براى شما [چیزى‌] به شکل پرنده مى‌سازم، آنگاه در آن مى‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌اى مى شود؛ و به اذن خدا نابیناى مادرزاد و پیس را بهبود مى‌بخشم؛ و مردگان را زنده مى‌گردانم؛ و شما را از آنچه مى‌خورید و در خانه هایتان ذخیره مى‌کنید، خبر مى‌دهم؛ مسلماً در این [معجزات‌]، براى شما -اگر مؤمن باشید- عبرت است.» (49) و [مى‌گوید: «آمده‌ام تا] تورات را که پیش از من [نازل شده‌] است تصدیق کننده باشم، و تا پاره‌اى از آنچه را که بر شما حرام گردیده، براى شما حلال کنم، و از جانب پروردگارتان براى شما نشانه‌اى آورده‌ام. پس، از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید.» (50) «در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید [که ] راه راست این است.» (51) چون عیسى از آنان احساس کفر کرد، گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانند؟» حواریون گفتند: «ما یاران [دین‌] خداییم، به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم.» (52)